



# روسی می دعوت پیامبر اعظم (ص)

پس در تبلیغ به خصوص تبلیغ دین که قصد داریم مردم ایمان واقعی و قلبی آورده و معتقد و متدین به دین شوند راهی جز حکمت و موعظه احسن نمی‌باشد و جبر و زور در این بخش هیچ جایگاهی ندارد.

۱۲- در نظر گرفتن ظرفیت فکری حدیثی است از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «انا معاشیر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم؛ ما پیغمبران ماموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگویم».

یکی از مواردی که پیامبر اسلام (ص) از ابتدای رسالت به آن توجه داشت همین میزان ظرفیت فکری مردم بود. آن چه که از آیات قرآن استنباط می‌شود نشان از آن دارد که احکام الهی، تدریجی و گام به گام بر مسلمین واجب شده و بسیاری بدان خاطر است که مردم به یکباره با هجوم احکام مختلف مواجه نشده و نهراسند؛ به خصوص وقتی که با خصلت‌ها و آداب خو گرفته‌اند که سالیان دراز با آن مانوس بوده و حتماً نمی‌توانند به یکباره آن را ترک نمایند از طرفی دیگر زمینه بر چیده شدن



این گونه آداب و رسوم زشت نیز باید مساعد باشد تا خدای نکرده مردم به مخالفت با دستور خدا و پیامبر خدا (ص) برخیزند. در ضمن پیامبر (ص) با هر کس با توجه به ظرفیت وجودی او سخن می‌گفت و معارف دینی را به او عرضه می‌داشت چنان که در میان اصحاب آن حضرت معروف است که «اگر آن چه که سلمان می‌دانست ابوبکر می‌فهمید، کافر می‌گشت». این دو از نظر فضل و کمال یکسان نبودند هر چند که هر دو صحابی رسول الله و هر دو از خاصان آن حضرت بودند.

توصیه‌های پیامبر (ص) به مبلغان خود: پیامبر وقتی حضرت علی (ع) را مامور می‌کرد که به یمن برود و مردم آنجا را به اسلام دعوت نماید چهار توصیه مهم به او می‌فرمود:

- ۱- دعا و نیایش را پیشه خود ساز، زیرا دعا غالباً با اجابت همراه است.
- ۲- در تمام حالات سیاس گزار و شاکر باش، زیرا شکر موجب فوزی نعمت است.
- ۳- اگر با کسی و یا گروهی پیمان بستی، آن را محترم بشمار.
- ۴- از مکر و حيله و نیرنگ و فریب دادن مردم بپرهیز، زیرا حيله بدکاران به خود آنان باز می‌گردد.

- ۱۴- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱، ص ۲۹۶.
- ۱۵- قلم آیه ۴۸.
- ۱۶- هود آیه ۱۱۲.
- ۱۷- احزاب آیه ۴۵.
- ۱۸- فرهنگ فارسی معین.
- ۱۹- الیوم یوم المرحمه.
- ۲۰- احزاب آیه ۳۹.
- ۲۱- تبلیغ و مبلغ، ص ۱۵۷.
- ۲۲- نحل آیه ۱۱۵.
- ۲۳- غاشیه آیه ۲۱.
- ۲۴- ذاریات آیه ۵۵.
- ۲۵- کلینی، اصول کافی، محمدباقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، تهران ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳.

آنها نشیت به اسلام دشمنی پیدا کنند. آن حضرت همیشه سعی داشت که دل‌های مردم را به سوی اسلام جلب کند؛ حتی تا آنجا که به اسلام ضرر نمی‌رساند دشمنان را مورد پخشش قرار می‌داد و هنگامی که آنان به اسارت در می‌آمدند مورد رافت اسلامی قرار می‌گرفتند و همین باعث می‌شد که یا آنان اسلام را بپذیرند و یا این که دست از دشمنی خود با اسلام بردارند. این امر به خصوص در زمان فتح مکه بسیار مشهود است. آن حضرت در برابر سخن یک نفر که اعلام کرده بود امروز روز انتقام است فرمود: «امروز روز رحمت است».

مَنْزِل ابوسفیان، دشمن دیرینه اسلام را محل امن قرار داد و خانواده او را محترم شمرد حتی بعد از جنگ طائف به او یکصد شتر داد.

۱۰- خشیب الہی  
«الذین ییلون رسالات الله و یخشونہ و لا یخشون احدًا؛ کسانی که پیام‌های خدا را به مردم می‌رسانند دو ویژگی مهم دارند اول این که از خدا می‌ترسند و دوم این که از غیر خدا نمی‌ترسند».

«خشیت خالی است که ترس بر انسان مسلط می‌شود و انسان جرأت را از دست می‌دهد».

این خشیت الهی باعث می‌شود که مبلغ هم نسبت به ابلاغ پیام و آن چه که خداوند به او امر فرموده کوتاهی نکرده و تمام و کمال آن را به مردم ابلاغ نماید و دیگر آن که باعث قوت قلب و اعتماد به نفس شده و در مقابل هیچ کس جز خدا سر تسلیم فرود نیاورد. این که انسان بداند همه قدرت‌ها در يد قدرت باری تعالی است و او مافوق قدرت‌های مادی است، دیگر هنگام مواجهه با مشکلات و قدرت‌های مادی که در مقابل او صف کشیده و قصد دارند جلوی حرکت الهی وی را بگیرند ترسی به خود راه ندهد و شجاعانه در مقابل آنها می‌ایستد؛ چرا که می‌داند پشتیبانش خداست و اوست که می‌تواند بر همه مظاهر قدرت‌های مادی غلبه کند.

پیامبر اسلام (ص) در ابتدای رسالت نیز بارها و بارها مورد تهدیدهای دشمن قرار گرفت اما هیچ‌گاه در مقابل آنها کوتاه نیامده و سخن حق خود را به صراحت بیان می‌داشت و می‌فرمود: «من آن چه که پروردگارم وحی نموده انجام می‌دهم و از شما نیز می‌خواهم که دعوتم را بپذیرید».

هم‌چنین در تمامی جنگ‌ها به خصوص جنگ بدر نیز چنین عمل کرد؛ با این که تعداد سربازان اسلامی کمتر از کفار بود و اسلحه و تجهیزات جنگی نیز به میزان کافی نداشتند اما پیامبر خدا (ص) با قدرت و صلابت به مسلمانان روحیه داد و خود شجاعانه در خطوط اول جبهه یا کفار جنگید و نتیجه آن شد که عده‌ای اندک بر تعداد فراوان سپاه کفر پیروز شدند.

۱۱- تذکر  
قرآن کریم در تبیین شیوه تبلیغی پیامبر در چیز را پیش از هر چیز دیگر سفارش کرده و دستور داده تا ابتدا از آن استفاده کند سپس از راه‌های دیگر وارد شود؛ یکی وادار نمودن مردم به تفکر و تامل، دیگری تذکر و یادآوری آنان. در برخورد با کسانی که جاهل هستند و نسبت به آن چه که اتفاق افتاده و دنیایی که در آن هستند جاهل دارند می‌بایست با حکمت و موعظه نیکو آنها را به راه راست هدایت نمود؛ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«ادع الی سبیل ربک بالحکمہ و الموعظۃ الحسنہ و جادلہم بالتی هی احسن؛ بخوان به سوی پروردگارت با حکمت و پند نیکو و با آنها به آنچه که نیکو است بحث کن».

اما در موارد دیگر که عده‌ای از مردم جاهل نیستند ولی در خواب غفلت هستند باید به گونه‌ای دیگر با آنها برخورد نماید چرا که آنان مانند جاهلان نسبت به خدا و عالم هستی جاهل نیستند بلکه در عمق وجودشان نشانه‌هایی از هدایت و توجه به خدا وجود دارد که باید آن را بیدار نمود و مورد توجه قرار داد؛ بر همین اساس خداوند به پیامبر در مورد این گروه دستور می‌دهد که به آنان تذکر بدهد. حتی خطاب به پیامبر می‌فرماید: فذکر انما انت مذکر؛ یادآوری کن همانا جز این نیست که تویی یادآورنده.

هم‌چنین قرآن در تذکر و یادآوری برای مومنین سود و منفعت می‌داند:

«و ذکر فان الذکر ی تنفع المومنین یادآوری کن که یادآوری برای مومنان سودمند است».

۸- صبر و استقامت  
تبلیغ امر پر زحمت و مشقتی است و کسی که مبلغ می‌شود باید تمام رنج‌ها و مشقات را تحمل نماید؛ به همین جهت خداوند هنگام رسالت پیامبران آنان را به صبر و پایداری توصیه نمود، چرا که هدایت مردم به کندی و آهستگی صورت می‌گیرد و این خود به یک صبر و استقامت و پشت‌کار زیاد نیاز دارد. در طول رسالت عظیم پیامبر اسلام (ص) به خصوص در دوران قبل از هجرت گاهی اوقات اوضاع آن قدر بد و خفقان‌آور بود که هیچ امیدى به ادامه رسالت نمی‌رفت و در ظاهر به نظر می‌رسید که امر رسالت به بن‌بست رسیده است.

پیامبر (ص) پس از رحلت همسر فداکار و عموی خود، حضرت ابوطالب در مکه هیچ یار و یاور و پشتیبانی نداشت به طوری که بسیاری از مردم جرات پیدا کرده و نسبت به آن حضرت اسائه ادب می‌کردند. خود آن حضرت می‌فرماید: «تا ابوطالب زنده بود، قریش موفق نشدند درباره من کار ناگوارى انجام دهند».

در چنین محیط اختناق آمیز مکه پیامبر تصمیم گرفت به طائف برود و در آنجا این خود را عرضه بنارد که متأسفانه در طائف نه تنها دعوتش را قبول نکردند بلکه کودکان را و داشتند تا به آن حضرت سنگ پرتاب کنند. پیامبر (ص) در پناه «مطمین‌بن‌عدی» که از شخصیت‌های بزرگ مکه بود، به مکه باز گشت. در چنین وضعیتی باز پیامبر (ص) دست از تبلیغ و رسالت خود بر نداشت و در هر جا که فرصت می‌کرد ابلاغ رسالت می‌نمود در این زمینه قرآن می‌فرماید:

«فاصبر لحکم ربک؛ پایدار باش بر فرمان پروردگارت».

و در آیات دیگر می‌فرماید:

«فاستقم كما أمرت و من تاب معک؛ استقامت داشته باش به آن چه که مامور شدی و کسانی که با تو توبه کردند».

این فرمان استقامت و پایداری تنها در مورد پیامبر نیست که پیروان آن حضرت نیز باید در این راه استقامت داشته باشند و صبر نمایند و شکیبایی پیشه کنند.

۹- تیشیر و انذار  
«یا ایها الذی انزلناک شهیداً مبشراً و نذیراً؛ ای پیامبر ما تو را فرستادیم مبشر و نوبد دهنده، منبر و اعلام خطر کننده».

«تیشیر یعنی مزده دادن و از موعظه تشویق است و انذار هم به معنی بیم دادن، آگاهی دادن و آگاه کردن است».

۱۸- مبلغ باید هم مبشر باشد و هم انذار دهد. تیشیر بدون انذار لازم است اما شرط کافی نیست و انذار هم بدون تیشیر لازم است اما کافی نیست؛ این دو از هم جدا ناپذیر هستند و باید با هم مورد استفاده قرار بگیرند. البته ابتدا باید تیشیر باشد. در ابتدا باید قلوب را به طرف هدف مورد نظر هدایت کرد و آن‌ها را تشویق نمود نه این که با انذار آنها را از اطراف خود دور کرد. باید همیشه جانب تشویق بیشتر باشد و شاید دلیل این که قرآن تیشیر را قبل از انذار آورده نیز همین باشد. «مبشراً و نذیراً، بشیراً و نذیراً».

پیامبر اسلام (ص) وقتی «معاذ بن جبل» را برای دعوت به یمن فرستاد طبق نقل سیره ابن‌هشام به او چنین توصیه فرمود: «یا معاذ بشر و لا تنفر، یسر و لا تشمر؛ مریوی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تیشیر و مزده و ترغیب باشد. کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند».

نهی مکرم اسلام (ص) به این اصل توجه داشت که ملامت و تندی باعث نفرت و کینه در افراد می‌شود و این خود دلیلی می‌شود که مردم با میل به اسلام روی نیاورند و اگر با اسلام دشمنی ندارند با برخورد تندی که با آنها می‌شود ممکن است

نهی مکرم اسلام (ص) به این اصل توجه داشت که ملامت و تندی باعث نفرت و کینه در افراد می‌شود و این خود دلیلی می‌شود که مردم با میل به اسلام روی نیاورند و اگر با اسلام دشمنی ندارند با برخورد تندی که با آنها می‌شود ممکن است